

## عطر سیب

هر لحظه هر جا حاضری  
هم در زمین، هم آسمان  
در کوه و دشت و سنگ و گل  
در قلب ذرات جهان

تو در دلم گل کرده‌ای  
مانند یک حس عجیب  
گاهی تو را حس می‌کنم  
در عطر و بوی خوب سیب

هم ظاهری، هم باطنی  
از ابتدا، تا انتها  
تو لطف بی‌اندازه‌ای  
در قلب من آه ای خدا

شهلا شهبازی حسابی

## یاد تو

امید تازه می‌دهی  
به چشمه زیر پای سنگ  
به شاخه هدیه می‌دهی  
هزار غنچه قشنگ

تو قلب خاک خسته را  
دوباره زنده می‌کنی  
و خانه دل مرا  
پراز پرنده می‌کنی

دوباره من به یاد تو  
بهار می‌شوم، بهار  
بیا و در خیال من  
نهادهای نو بکار!

مرضیه تاجری

## نام تو

نام تو لبخند و نور  
نام تو برگ عبور  
نام تو آرامش است  
گریه است  
خواهش است

نام تو  
بغض همه دردهای جهان را  
شکست

مریم زندگی

## شاعران جهان

### ریچارد براتیگان

ریچارد براتیگان، شاعر و نویسنده آمریکایی (۱۹۳۵\_۱۹۸۵) یکی از خلاق‌ترین نویسندگان و شاعران نیمه قرن بیستم است که در شاعری و داستان نویسی شیوه‌ای متفاوت داشت. برخی از آثار او به فارسی ترجمه شده‌اند.

شعر زیر از کتاب «عاشقانه‌های شاعر گمنام» با ترجمه علیرضا بهنام، چاپ ۱۳۹۰ از انتشارات مروارید انتخاب شده است.

#### ●●● مهریانی

با گل‌ها مهربان باش  
و ستارگان و رودخانه‌ها  
هرگز به سبب یا رنگین‌کمان دروغ‌نگو  
به نان اعتماد کن و مریبا  
و شیشه‌های یخ‌زده شیر  
دلی سرشار از عشق نثار کن  
به کبوتران و حلزون‌ها  
همیشه به یاد داشته باش  
که انسان‌ها انسان‌اند  
و آن‌ها را ببخش به این دلیل  
و آن‌ها را دوست بدار به این دلیل  
اگر چنین کردی  
لازم نیست از مرگ در هراس باشی  
چرا که هرگز نخواهی مُرد.

#### بیشتر بخوانیم

- بی‌تویی (مجموعه شعر)
- شاعر: انسیه موسویان
- ناشر: چکه\_شهر قلم
- تلفن: ۰۲۱\_۸۸۵۴۷۲۹۵

#### امید

- یک نفر باید بیاید از کنار بر که‌ها
- خنده خورشید را
- بین ما قسمت کند
- یک نفر باید بیاید
- یک نفر که مثل مادر مهربان و ساده است
- هدیه‌های عید را
- بین ما قسمت کند
- یک نفر باید بیاید
- یک نفر از سمت آبی‌های دور از دسترس
- باقناری‌های غمگین در قفس
- از نسیم و آفتاب و آسمان صحبت کند
- یک نفر باید بیاید.



## سیر و پیاز

سیر، یک روز طعنه زد به پیاز  
که تو مسکین چقدر بد بویی  
گفت: از عیب خویش بی‌خبری  
زان ره از خلق عیب می‌جویی  
گفتن از زشت‌رویی دگران  
نشود باعث نکورویی  
تو گمان می‌کنی که شاخ گلی  
به صف سرو و لاله می‌روی  
خویشتن بی‌سبب بزرگ مکن  
تو هم از ساکنان این کویی  
ره ما گر کج است و ناهموار  
تو خود این ره چگونه می‌پویی  
در خود، آن به که نیک‌تر نگری  
اول آن به که عیب خود گویی

#### پروین اعتصامی

## حرف‌های بارانی

می‌روم  
از مسیر ناودان  
با شتاب  
سمت جوی آب  
بعد هم به سوی رود  
بی‌خیال حرف قطره‌های ناامید  
می‌روم برای کشف یک قلمرو جدید  
خواب موج و ماهی و جزیره دیده‌ام؛  
قطره‌ام  
تازه از  
ابر خسته‌ای چکیده‌ام...

#### اسماعیل الله دادی

